



رویکرد تیپ ایده‌آل معرفت‌شناسانه به توسعه در ایران که اغلب داعیه‌ای خالص گرایانه نیز دارد معتقد است که برای تولید دانش غیرغربی باید ابتدا مبانی معرفتی هر علم، فلسفی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مناسب استخراج شود و غرب نیز خود از همین مسیر پیش رفته است. برای این استخراج، به یک دستگاه استنباطی خاص نیاز داریم که بتواند از دل نصوص و متون پیشین در حوزه دین و فلسفه اسلامی ایرانی این مبانی را استخراج کند. سپس از دل محصول تولید شده، پارادایم‌ها، الگوها، نظریات و فرضیات مناسب استخراج شده و برای اداره جامعه در قالب سیاست‌هایی به کار گرفته شود. این نگاه معرفت‌شناسانه [۴] باور دارد که انسان بر اساس آگاهی عمل و رفتار می‌کند. در واقع این ذهنیت و آگاهی پیشین ماست که شناخت‌مان از جهان و عمل در آن را ممکن می‌سازد و تا زمانی که آگاهی ما به وسیله نظریات و الگوهای از پیش آماده شده به صورت یک سیستم منسجم ساخته و پرداخته نشده باشند، ما راهنمای عملی برای کنش و عمل نخواهیم داشت. پس قبل از هر چیز لازم است بر ساخت این چهارچوب نظری متمرکز شویم. پس اگر خواهان توسعه‌ای خالص گرا هستیم که برخلاف توسعه انسان گرایانه و ناسوتی غربی ما را به ارزش‌های والای لاهوتی متصل کند، ابتدا باید مبانی معرفتی این نوع از توسعه را بر سازیم و سپس بر اساس آن عمل کنیم.

اما در رویکرد «وجودشناختی» در روندی تقریباً عکس، این تمایلات، احساسات، منافع و تجربیات زیسته فردی و جمعی انسان است که اهمیت دارد و آگاهی و اندیشه ثمره و فرع بر آنها دانسته می‌شود. انسان در جامعه با بسیاری از موقعیت‌ها و تجارب زیسته مختلف مواجه می‌شود که معمولاً ناندیشیده هستند اما از آنجا که انسان موجودی دارای آگاهی و به عبارت بهتر خودآگاهی است، می‌تواند به این

این گرایش‌ها البته شقوق مختلفی در داخل خود دارند ولی اکثر فعالان این رویکرد متفق‌القولند که توسعه غربی نیز بسط پیشفرض‌های کلامی، الهیاتی و فلسفی غربی بوده‌اند و از همین رو به دست آمدن یک الگوی توسعه و پیشرفت از دل پیشفرض‌ها همچون نمونه غربی آن زمانبر (حتی چند قرن) است و از همین جهت راه‌حل‌های کوتاه مدتی برای تخفیف یا حل مسائل و مشکلات فعلی ما ندارند.

با این همه این سؤال نسبت به این گرایش‌ها مطرح است که آیا توسعه غربی مثلاً ماحصل یک پروژه فلسفی بوده یا اساساً در یک فرایند انباشتی تاریخی از تجربیات و سعی و خطاها حاصل آمده؟! به عبارت دیگر آیا توسعه غربی یک «پروژه» ذهن گرایانه و «معرفت‌شناسانه» بوده یا یک «پروسه» تجربی و «وجودشناسانه»؟ در ادامه تلاش می‌کنیم تفاوت‌های این دو مسیر را در قالب دو الگوی مجازی (ایده‌آل تایپ) [۳] تفصیل دهیم.

